

بیانی ساده  
از

اقتصاد جدید

حسن توانایان فرد



# بیانی ساده از اقتصاد جدید

حسن توانائیان فرد

تقدیم به:

آبرو شنگر شهید

دکتر علی شریعتی

✽ بیان ساده از اقتصاد جدید

✽ حسن توانایان فرد

✽ خانه کتاب یزد

✽ چاپ اول خرداد ۱۳۵۷

✽ تعداد ۲۰۰۰ نسخه

## چرا اقتصادبیا موزیم؟

هوا سخت سرد است، برف میبارد، چیزی بوقت مدرسه نمانده است که برای خرید تخم مرغ از این مغازه بآن مغازه بروم و بهرکجا سر میکشم میگویند تخم مرغ نداریم، قاچاق است، اگر گیرتان آمد برای ما هم بخرید. برای شام امشب قرار بود گوشت بخرم وبمادرم بدهم و بعد بمدرسه بروم ولی گوشت چون کیمیا است، قصابی محل میگوید گوشت استرالیائی یخ زده بخواهید فراوان داریم ولی گوشت تازه نایاب است، خوب از گوشت که نا امید شدم، یادم آمد که مادر میگفت اگر گوشت گیر نیآوردی تخم مرغ بخر تا برای شب نیمرو درست کنم. دیگر فرصتی ندارم، مدرسه دیر شده باید بخانه برگردم و کیف و کتاب را برداشته بطرف مدرسه بروم.....

بعد از چند دقیقه در صف طویل اتوبوس شرکت واحد ایستادم انتظار برای رسیدن اتوبوس دیگر برای همه ما عادی شده است. مدتی میگذرد قلبم ناراحت است دل واپس ساعت ۲/۵ است، به گفته دبیرمان میاندیشم که میگفت اگر دیر آمدید بیرون کلاس بایستید - بالاخره اتوبوس آمد، حالا حالا ها نوبت بمن نمیرسد، سه اتوبوس دیگر هم آمد و رفت تا من به سر صف رسیدم - اتوبوس چهارم بعد از سرک کشیدن های زیاد بصف نزدیک شد، هر طوری بود بالاخره وارد اتوبوس شدم. ولی داداز این ترافیک، اگر پیاده میرفتم زودتر از اینها بمدرسه میرسیدم.

آنچه آمد قسمتی از دفترچه خاطرات یکی از دانش آموزان دبیرستانهای تهران است. لابد برای شما و شاید هم برای او این سئوالات مطرح میشود که چرا گوشت کیمیاست؟ چرا گوشت خارجی باید وارد کشور شود؟ چرا تخم مرغ کمیاب است؟ چرا اتوبوس دیر به دیر به ایستگاه میرسد؟ چرا ترافیک اعصاب همه را خسته کرده است و سئوالاتی دیگر از این قبیل که:

چرا سال گذشته لیمو شیرین و پرتقال کمیاب بود و امسال فراوان؟

چرا چند ماه قبل قیمت خانه و آپارتمان آنقدر زیاد بود که کسی آنرا گیرنمیآورد و حالا همه جا آپارتمانها خالی ماندهاند؟.

چرا جنوب شهر مردم گوشت شتر میخورند و در کلبه‌های کوچک زندگی میکنند و در شمال شهر بهترین غذاها در کاخها از آن شمال شهرنشینان است؟

چرا نمیتوانیم همه بدان‌شگاه آنهم به رشته‌ای که دلخواه ما میباشد راه پیدا کنیم؟ چرا بعد از تحصیلات باید مدتی بیکار و در جستجوی کار وقت تلف کنیم؟ چرا یکروز آب نداریم و یکروز برق و دهها چرای دیگر.....

در اینجاست که میگوئیم علم اقتصاد بما کمک میکند تا برای چراها و پرورش های فوق الذکر پاسخی مناسب پیدا نمائیم. دانش اقتصاد نه تنها در ده‌های اقتصادی اجتماعی را معرفی میکند بلکه میکوشد تا راه و روش درمان آنها را نیز نشان دهد.

### موضوع علم اقتصاد

قحطی آمده است، هیچ چیز برای خوردن وجود ندارد، سگها و گربه ها و موشها و همه چیز را انسان خورده است و حالا نوبت به خوردن انسانها رسیده است و چون ایمان و اعتقاد به خدا و روز پاداش در بین مردم نیست از خوردن یکدیگر خودداری نمیکنند، زنی را در گوشه‌ای می‌بینیم که نشسته و فریاد میکشد و ناسزا میگوید. ای زن چه شده؟ چرا ناراحتی؟، در جواب میگوید خواهرنیمه جانم را جلو چشمانم مردم شهرتکه‌تکه کردند تا بخورند و بآنها هیچ نگفتم ولی با اینکه خواهر من بود و باید گوشت ران او را بمن میدادند، دست او را که گوشت کافی ندارد بمن داده‌اند.

آنچه را خواندید تخیل نویسنده نیست واقعه‌ای است تاریخی که در شهری قحطی‌زده اتفاق افتاده است. آیا فکر کرده‌اید که اگر مردم غذا برای خوردن نیابند

چه خواهند کرد؟ یکی از نیازهای اساسی بشرتهیه غذا و خوراک کافی میباشد. دومین نیاز داشتن لباس و پوشاک است تا وی را از سرمای یخبندان زمستان حفظ کند. داشتن آشیانه و خانه و مسکن نیز برای انسان ضروری میباشد. نیازهای انسان تنها به نیازهای مادی وی خلاصه نمیشود، نیازهای معنوی بشر نیز باید پاسخ گفته شود. برای ارتباط انسان با خالق جهان ساختن مسجد وسایر وسائل عبادت لازم است، ارتباط با خداوند و ارضاء نیاز معنوی انسان به ارضاء هرچه بهتر نیازهای مادی وی کمک میکند. انسانی که خدا را میپرستد و از گفتار او پیروی میکند هیچگاه بحقوق دیگران تجاوز نمیکند و مانع آن نمیشود که دیگران نیازهای مادی خود را بدرستی ارضاء نمایند. قسمتی از نیازهای بشر امروز را ما در زیر مینویسیم و دنباله آنرا شما تکمیل نمائید:

- |                    |                     |                     |
|--------------------|---------------------|---------------------|
| ۱- نیاز به نان     | ۲- نیاز به گوشت     | ۳- نیاز به برق      |
| ۴- نیاز به خانه    | ۵- نیاز به آب       | ۶- نیاز به عبادتگاه |
| ۷- نیاز به ظرف مسی | ۸- نیاز به ظرف چینی | ۹- نیاز به لامپ     |
| ۱۰- نیاز به گاز    | ۱۱- نیاز به پنیر    | ۱۲- نیاز به تفنگ    |
| ۱۳- نیاز به شیرینی | ۱۴- نیاز به سلمانی  | ۱۵-                 |
| ۱۶-                | ۱۷-                 | ۱۸-                 |
| ۱۹-                | ۲۰-                 | ۲۱-                 |

اگر نیازهای بشر را شمارش کنید خواهید دید که بی نهایت نیاز برای میلیونها انسان وجود دارد. برای ارضاء این نیازها چه وسائلی در اختیار میباشد؟ مثلاً " برای تولید نان باید زمین داشت، بیل و کلنگ و تراکتور و بذر و آسیاب و تنور داشت، کارگر داشت و مدیری که کار تولید گندم و آرد و نان را نیز سرپرستی کند داشت. لذا برای تولید نان به زمین، به سرمایه (بیل و کلنگ و غیره) به کار و به مدیریت نیاز

است. اینها را چهار عامل تولید میگویند. برای تولید کلیه کالاها و خدماتی که نیازهای انسان را ارضاء میکنند به این چهار عامل نیاز میباشد.

### کمیابی:

عوامل تولید کمیاب هستند. هوا برای انسان لازم است. اگر هواواکسیژن به بدن نرسد مرگ حتمی میباشد. هوا کمیاب نیست کلیه انسانها بهر مقدار که مایل باشند در شرایط معمولی میتوانند هوا استنشاق نمایند. ولی زمین مانده هوا نیست، زمین کمیاب است. مقدار زیادی از زمین را کویرها و شورهزارها و کوهها و تپهها پوشانده است زمین قابل کشت بسیار کم است و تبدیل زمینهای غیر قابل کشت به زمینهای قابل کشت نیاز به صرف هزینههای زیاد دارد. نیروی کار نیز کمیاب است مانند هوا نیست. تعداد بیشتری از افراد جامعه پیر و علیل و مریض هستند، تعداد زیادی کودک و نوزاد میباشند و تعداد محدودی قدرت کارکردن دارند. سرمایه و مدیریت نیز چون هوا نیستند و آنها هم کمیاب هستند.

### انتخاب:

حال باید با این عوامل کمیاب تولید نیازهای بی نهایت انسان را ارضاء نمود. لذا باید دید که کدام کالا و خدمت باید تولید شود. آیا باید گندم تولید کرد یا باید آدامس، آیا باید زمینهای محدود را زیر کشت برنج و خربزه و هندوانه برد یا باید بر روی زمین خشخاش کشت تا تریاک تولید شود؟ آیا باید با این عوامل کمیاب گوسفند پرورش داد و یا باید خز نگهداری کرد؟ باید شیر تولید کرد یا شراب، باید کتاب درسی تولید نمود یا ورق قمار، باید دانشگاه ساخت یا قمارخانه، باید مسکن برای مردم فراهم ساخت و یا رفاصخانه، باید گوشت تولید کرد یا باد کنک، باید ظروف آشپزخانه تولید کرد یا قابهای مینا کاری، باید فرش تولید کرد که روی آن می نشینند و یا فرش که به دیوار آویزان میکنند، باید پوشاک برای مردم



تهیه کرد و یا بمب ناپالم ، باید.....

ملاحظه میشود که چون نیازهای بشر بی‌نهایت است و منابع تولید کمیاب باید کالاها و خدماتی که نیازهای اساسی بشر مانند نیاز به گوشت و نان و مسکن و پوشاک و غیره را ارضا میکند تولید شود. نه کالاهائی که نیازهای فرعی و دروغین بشر را ارضا میکند مانند قابهای مینا کاری و شراب و سیگار و غیره. و نه کالاهائی که نیازهای اقلیت را ارضا میکند مانند لوستر و کالاهای تجملی.

### تعریف علم اقتصاد:

علم اقتصاد دانشی میباشد که نشان میدهد چگونه باید از منابع تولید کمیاب بیشترین نیازهای بشر را ارضا نمود.

### سئوالات اساسی علم اقتصاد:

علم اقتصاد باید به شش سؤال زیر پاسخ گوید. بنابراین اقتصاد اسلامی نیز خواه ناخواه به سئوالات زیر پاسخ میگوید:

۱- چه کالاهائی باید تولید شود. در اینکه چه کالاهائی باید تولید شود هیچ مکتبی مانند اسلام بر اساس تعریف علم اقتصاد سخن نگفته است. بر اساس اصول اسلامی زیر میتوان معین کرد که در جامعه اسلامی چه کالاهائی باید تولید شود (۱).

الف: اصل لاضرر: براساس این اصل تولید کلیه کالاهائی که ضرر و زیان

به فرد و یا جامعه اسلامی و جامعه انسانی وارد آورد ممنوع میباشد.

ب: اصل تضامن و تکامل اجتماعی: برطبق این اصل تولید کالاها

---

(۱): ۱- کالاهای واجب ۲- کالاهای مستحب ۳- کالاهای مکروه ۴- کالاهای حرام.

وخدماتی که مورد نیاز اکثریت مردم میباشد تجویز شده است و  
نه غیر آن .

ج: اصل اهم ومهم اقتصادی .

لذا میتوان گفت که امروزه هروئین ، لوسترهای اشرافی ، تریاک ، شراب ، وسائل قمار  
دستی ، برقی والکترونیکی آن ، بادکنک ، آدامس ، مژه مصنوعی ، ناخن مصنوعی ،  
لوازم آرایش اشرافی ، بمبناپالم ، مجسمه ، انواع بازیهای تفننی و اشرافی ، فرشهای  
گرانقیمت تجملی ، تابلوهای نقاشی ، منبت کاری ، فیلمهای سینمایی غیرمفید ، انواع  
کالاها و خدماتی که به استقلال کشور زیان وارد میآورد مانند ماشین آلات مصرفی  
که همواره اقتصاد را وابسته نگه میدارد ، استفاده از کار کارشناسان خارجی که علیه  
جامعه دسیسه چینی میکنند ، قصرهای اشرافی ، خانههای اشرافی ، اتومبیلهای اشرافی  
پوشاک تجملی ، اغذیه خارجی وتجملی ، رقصخانه ، برنامههای رادیویی وتلوویزیونی  
مضر ، مجلات و روزنامهها و کتب مضر ( درچارچوب ایدئولوژی اسلامی ) ، موشکها و  
ماهوارههایی که برای زور گفتن به کشورهای ضعیف بکار گرفته میشود تا آنها را  
استثمار کنند ، وسائل تفریحات ناسالم تربیت گروههای باله برای سرگرم کردن مردم ،  
آنطور که روسها و چینیهها برای سرگرم کردن امپریالیستهای انگلیسی وامریکائی  
تربیت کردهاند وغیره . . . . . نباید در جامعه تولید شود وبجای آنها بایداز عوامل  
کمیاب تولید جامعه در راه تولید کالاها و خدمات زیر استفاده نمود ، برنج ، گوشت  
شیر و سایر اغذیه سالم ، مسکن مناسب و سالم برای مردم شهرو روستاء . خانههایی  
که با زلزلهای خفیف جان هزاران انسان را تلف نکند ، پوشاک مناسب افراد ،  
لوازم کار ، وسائل ارتباطات مانند تلفن وغیره ، رادیو ، تلویزیون با برنامههای مفید ،  
وسائل حمل و نقل مانند قطار داخل شهر وخارج شهر ، اتوبوس با سرویس سالم وصحیح  
که کلیه افراد جامعه را در نقل وانتقالات خود کمک نماید ، ماشین آلات صنعتی که

اقتصاد جامعه را از وابسته بودن بخارج نجات دهد، کارشناسان علمی که هدفشان کمک به رشد علم و تکنیک جامعه باشد، وسائل تفریح و ورزش سالم که برای کلیه افراد جامعه مفید باشد، وسائل دفاعی و نظامی که جامعه را از گزند دشمنان حفظ نماید و . . . .

## ۲- چه مقدار کالا و خدمات باید تولید شود؟

بعد از آنکه معلوم گردید که چه کالاهائی باید تولید شود این سؤال مطرح است که چه مقدار باید تولید گردد. از نظر اسلامی اصل کلوا و اشریوا و لاتسرفوا، یعنی بخورید و بنوشید ولی زیاده روی نکنید، براین نکته تکیه دارد که باید از عوامل کمیاب تولید آن مقدار تولید شود که مورد نیاز جامعه میباشد. بنابراین تولید اسراف گونه که سبب اتلاف و از بین رفتن کالاها و خدمات میگردد ممنوع است.

فرضا" در سطح یک خانواده، تولید و تهیه غذا آنهم چندین رنگ بمقدار زیادتر از آنچه برای میهمانان و یا اعضاء خانواده لازم میباشد اتلاف منابع تولید بحساب میآید. متأسفانه چه بسیارند آنان که ادعای پیروی از اسلام هم میکنند ولی در حالیکه خود و خانواده آنان به بیش از سه اطاق یا چهار اطاق نیاز دارند تعداد بیشمار اطاق و هال و میهمانسرا و غیره در شهر و بیلاق و قشلاق داخل و خارج کشور در اختیار خود میگیرند و در حالیکه دیگران بعلت بدی مسکن از سرما یخ میزنند تنها به این بهانه که گویا در اسلام آنان اینگونه مالکیت خصوصی محترم است و چون خمس و وجوهات متعلقه را نیز داده اند میتوانند از آنها استفاده کنند به زندگیهای اشراف گونه خود ادامه میدهند. به مقیاس اقتصاد کلان یعنی در سطح کل کشور نیز نباید تولید اسراف گونه داشت فرضاً" در سطح جامعه نیز تولید بی برنامه پرتقال آنهم چندین برابر تقاضای مردم اتلاف منابع کمیاب تولید است. بی برنامه بودن تولید سبب میگردد که یکسال چون پارسال پرتقال آنقدر کم تولید شود که از خارج وارد کنند و یا اینکه مانند امسال ۱۳۹۷ هجری قمری (۲۵۳۶) آنقدر زیاد تولید شود که مجبور به از بین بردن آن گردند

در کشورهای صنعتی سرمایه‌داری تولید بیش از اندازه لازم در بسیاری از کالاها انجام می‌گیرد و به همین جهت روزانه کوه‌هایی از سیب و پرتقال و غیره را به جلو گاو و ویاسایر چارپایان میریزند تا از عرضه زیادتر از تقاضای آنها و در نتیجه پائین رفتن سطح قیمت‌ها جلوگیری کنند. با توجه باین امر که در جهان امروز هزاران نوع کالا و خدمت وجود دارد و میلیون‌ها انسان به تولید آنها اشتغال دارند، بدون داشتن یک برنامه جامع که توسط دولت فرضاً "دولت اسلامی تهیه شود نمیتوان از اتلاف منابع تولید جلوگیری بعمل آورد. مشکل ترافیک شاید یکی از نتایج تولید بیش از حد لازم این جامعه باشد. اگر تولید اتومبیل شخصی این چنین زیاد نبود مردم مجبور نبودند که هر یک نفر پشت فرمان یک اتومبیل بنشینند و نه تنها پشت ترافیک اعصاب خود را از دست دهند بلکه دیرتر از پیاده‌ها بکار خود برسند.

۳- سومین سؤال اساسی اقتصاد اینست که کالاها و خدمات را چگونه باید تولید کرد: دو روش برای تولید کردن وجود دارد. روش اول را روش کارطلب می‌گویند. در این روش کارانسان سهم عمده در تولید بازی میکند. برای مثال تولید نان سنگک از طریق روش کارطلب انجام می‌گیرد. زیرا تعداد زیادی افراد دست‌بدست هم میدهند تا نان سنگک بدست شما برسد یک نفر آرد را در محل مخصوص میریزد، چند نفر آنرا خمیر میکنند، شاطر خمیر را به تنور میگذارد و یک نفر دیگر آنرا از تنور در می‌آورد و آخرین نفر پول را از شما میگیرد و نان را تحویل شما میدهد.

روش دوم تولید روش سرمایه طلب میباشد. در این روش سرمایه سهم زیادتری در تولید دارد برای مثال همین نان سنگک را میتوان بطریق سرمایه طلب نیز تولید کرد. اگر ماشین آرد را خمیر کند و خود ماشین خمیر را پهن کرده نان بپزد و نان را ماشین قطعه‌قطعه کرده تحویل دهد و شما با انداختن سکه‌ده ریالی در ماشین یک نان سنگک دریافت کنید می‌گویند روش تولید نان سنگک سرمایه طلب میباشد.

علم اقتصاد باید با توجه به منابع تولید تصمیم بگیرد که کالاها و خدمات چگونه باید تولید شود. اگر در کشوری کارگر فراوان است و لذا دستمزدارزان می باشد ولی سرمایه کم است و گران باید روش تولید کار طلب را انتخاب کرد. اگر در جامعه سرمایه یعنی ماشین آلات و غیره کم باشد و یا تولید نشود و جامعه بخواهد آنها را وارد نماید چون استفاده از ماشین آلات که در خارج تولید میشود باعث وابستگی اقتصادی و در نتیجه وابستگی سیاسی کشور بخارج میگردد و کشور مورد استثمار بیگانگان قرار میگیرد باید از روش کار طلب استفاده نمود. فرضاً " در مورد برق در سال گذشته (۱۳۵۵) هنگامیکه یکی از موتورهای تولید کننده برق خراب شد فرانسویان که صادرکننده آن به ایران بودند در تحویل و یا تعمیر موتور خراب آنقدر تأخیر کردند تا ضررهای بسیار زیادی به مردم ایران وارد آمد. با رفتن برق بستنی‌ها، تخم مرغها، گوشتها و هزاران کالای دیگر فاسد شد.

استفاده از علم و ماشین آلات بیگانگان باید در زمینه‌هایی انجام گیرد که کشور اسلامی را قادر به تولید ماشین آلات تولیدی نماید.

پیامبر اسلام در غزوات خود از اسرای بیگانه میخواست تا دانش خود را به مسلمانان بیاموزند تا رها گردند. منقول است که به پیامبر اکرم (ص) گفته شد که آئینها را میتوانند از کشورهای غیر اسلامی وارد کرد ایشان فرمودند افرادی را بفرستید تا فن ساختن آئینها را فراگیرند و برگردند در کشور اسلامی آنها بسازند و نباید آنها را از خارج وارد ساخت. در آیه شریفه قرآن بر اساس اصل و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون . مسلمانان باید علم را از دیگران بگونه‌ای بگیرند که وابسته و مستعمره غیر مستقیم آنها نشوند و خود بتوانند در داخل کشورشان ماشین آلات و کارخانجات لازم را تولید نمایند.

۴- کالاها و خدمات چگونه باید توزیع شود: چهارمین سئوالی راکه علم اقتصاد

و در نتیجه اقتصاد باید پاسخ گوید اینست که کالاها و خدمات تولید شده بر چه اساس باید توزیع شود.

اصل عدل و قسط در اسلام حکم میکند که هرکسی باید بر اساس سهمی که در تولید دارد از آن استفاده نماید. داشتن پارتی قوی در ادارات و یا داشتن زور بیشتر بین همکاران سبب گرفتن سهم بیشتری از تولید نمیشود.

در سطح جهانی هم کشورهایی که دارای بمب اتمی و اخیراً "نوترونی هستند نباید با نشان دادن لولوهای جنگی خود اموال و کالاهای کشورهای ضعیف را غارت نمایند. قرآن مجید میفرماید: "ان لیس للانسان الاماسعی" انسان بر اساس کارهایی که انجام میدهد حق استفاده از تولیدات کشور را دارا میباشد. برای مثال اگر ده نفر کارگر باهم کاری را انجام دادند و در اثر انجام کار مذکور ده عدد پرتقال بدست آوردند در صورتی که ده نفر کار برابر انجام داده باشند باید بهر کدام یک پرتقال داده شود.

۵- آیا از ظرفیت کامل عوامل تولید بهره برداری میشود؟

زمینها بیکار افتاده اند، انسانها بیکار ایستاده اند ولی شکمها غذا میخواهند، بدنها لباس میخواهند و انسان مسکن و ماء و لازم دارد. باین علت است که باید برنج و گوشت و میوه و همه چیز را از خارج وارد کرد. ولی تا به کی میتوان کار نکرد و کالاهای خارجی مصرف کرد؟ با چه پولی این کالاها را از خارج وارد میکنیم؟ با پول نفت که بخارجیان میفروشیم. وقتی حداکثر تا ۳۰ سال دیگر که نفت تمام شد چه میکنیم؟ از گرسنگی یا باید مرد یا باید یکدیگر را خورد. باید زمینها با ظرفیت کامل، انسانها با ظرفیت کامل، سرمایه و ماشین آلات با ظرفیت کامل و مدیران با ظرفیت کامل مشغول به تولید شوند. برای مثال اگر در جامعه صد متر زمین ده کارگر و ۵ بیل و ۵ کلنگ و مقداری بذرو آب وجود دارد باید بر روی صد متر زمین کلیه ده نفر کارگر با بیل و کلنگ موجود کار کنند تا بگوئیم اقتصاد جامعه با ظرفیت کامل مشغول بکار است و اگر فرضاً ۸۰ متر از زمین توسط ۸ نفر مشغول به کشت حبوبات باشد و ۲۰ متر زمین و دو نفر

کارگر و در نتیجه یک بیل و یک کلنگ و مقداری آب و بذر بیکار بماند می‌گوئیم اقتصاد با ظرفیت کامل مشغول بکار نمی‌باشد. بیکاری دونوع میباشد: پنهان و آشکار. بیکار آشکار مانند کلیه افرادی که سر گذر و چهارراه خیابانها بیکار ایستاده‌اند و مردم را تماشا میکنند. بیکار پنهان مانند کلیه ماء‌موران ادارات کشوری و لشگری که تنها پستی را گرفته‌اند ولی کاری مفید که کالا و خدمت سودمندی بوجود آورد انجام نمی‌دهند.

در مکتب آسمانی اسلام، با هر نوع بیکاری و یا انجام کارهای غیرمفید و یا کم کاری مخالفت شده است. نیروی انسانی و قدرت تولید نیروی کار خود یکی از عوامل تولید میباشد که در اثر جریان بیکاری یا کارهای غیر ضروری به هدر میرود. بر اساس اصول اسلامی اتلاف و اسراف و یا به باطل مصرف کردن اموال و دارائی‌ها شدیداً منع شده است.

پیامبر اسلام دست کارگری را که در اثر کار پینه زده می‌بوسد و می‌فرماید: " خداوند این دست را دوست میدارد. صدها حدیث اسلامی در تقبیح بیکاری و کم کاری وارد شده است. پیامبر می‌فرماید بهترین شما مفیدترین شما برای مردم میباشد. کلیه تعالیم دال بر این حقیقت است که در جامعه اسلامی باید از کلیه منابع تولید با ظرفیت تمام استفاده نمود و نه اینکه آنها را بیکار و یا بکارهایی که در راه جامعه مفید نیست گماشت.

ع- ششمین سئوالی را که باید یک اقتصاددان پاسخ‌گوید اینست که آیا عوامل تولید با کارائی لازم مشغول بکار میباشد؟:

در خیابانهای تهران هنگامیکه کارگران مشغول حفر زمین برای جاگذاری لوله‌های آب هستند شاهدیم که نظر بعضی از کارگران به ترافیک جلب میشود و اخمهای رانندگانی را که بر اثر ترافیک سنگین در رسیدن به محل کار یا محل ملاقات تاء‌خیر پیدا

کرده‌اند نظاره میکنند. هرچند کلنگی که میزنند چند دقیقه‌ای نیز غرق ترافیک میشوند و یا حتی بعضی از آنها بفرجه افتاده بیل و یا کلنگ را رها کرده به میان اتومبیل‌هایی که در هم گره خورده‌اند میروند و برای باز کردن راه برانندگان عصبانی کمک میکنند. کارگران مذکور روزی ۸ ساعت کار میکنند و لذا با ظرفیست کامل مشغول بکار هستند ولی کارآئی آنها کم میباشد. زیرا اگر قرار باشد در شرایط معمولی کارگر در ۸ ساعت کار ۸ متر زمین حفر کند کارگران ترافیک زده در ۸ ساعت کار ۴ متر زمین خواهند کند. این را نباید با تنبلی کارگر اشتباه گرفت زیرا در اینجا ۸ ساعت تلف شده ولی بعلاوه شرایط نامناسب محیط، کاروی به‌دردرفته و انرژی‌وی صرف چیزی غیر از حفر مسیر لوله آب شده است. کارآئی در تولید نیز به این معنی میباشد که آیا عوامل تولید بگونه‌ای ترکیب شده‌اند که هرگونه دوباره ترکیب آن‌ها به تولید بیشتر محصول منجر نشود، برای مثال اگر ده نفر کارگر با ده بیل دستی در ده روز ده تن خاک را از داخل حیاط منزل به خیابان منتقل کنند، میگوئیم محصول ترکیب عوامل تولید یعنی سرمایه بصورت بیل و نیروی کار بصورت کارگر در ده روز انتقال ده تن خاک از منزل به خیابان بوده است. آیا در تولید این محصول حداکثر کارآئی وجود داشته است؟ برای پاسخ گفتن به این سؤال باید ترکیب عوامل تولید را تغییر دهیم اگر فرضاً " بجای ده کارگر یک کارگر و بجای ده بیل یک بیل مکانیکی قرار دهیم و باز هم مشاهده کنیم که در ده روز همان ده تن خاک از منزل به خیابان منتقل شده میگوئیم ترکیب عوامل تولید در شکل اول آن یعنی ده کارگر و ده بیل با حداکثر کارآئی همراه بوده است. و اگر در حالت استفاده از بیل مکانیکی مشاهده شود که ده تن خاک در طول ۹ روز از منزل به خیابان منتقل شد خواهیم گفت که ترکیب عوامل تولید در شکل بیل دستی و ده نفر کارگر با کارآئی لازم همراه نبوده است.



برای پختن لبو چه باید کرد؟ هدف فعالیت‌های اقتصادی انسان چیست؟. اینست که کالاهائی را تولید کند که بتواند بخورد، بپوشد و خلاصه نیازهای مادی وی را ارضاء نماید و در راه ارضاء نیازهای معنوی به وی کمک کند؟. لبو یکی از این کالاهاست. آیا فکر کرده‌اید که اگر دیک نبود چگونه لبورا بر روی دست روی آتش میپختند؟ کجا آب کنار آن قرار میدادند؟ بشر برای تهیه مایحتاج خود باید وسائل و ابزار تهیه کند. برای پختن لبو به دیک به موتور پرموس و به اجاق نیاز است. باید چغندر را در دیک ریخت، داخل دیک، آب ریخت و بعد زیر دیک را روشن ساخت.

حالا می‌بینیم در این مثال کالای سرمایه‌ای کدام است و کالای مصرفی کدام؟ به دیک و اجاق میگویند کالای سرمایه‌ای، به چغندر و لبو میگویند کالای مصرفی. در یک کارخانه کفش به بنای کارخانه میگویند کالای سرمایه‌ای، به ماشین‌آلات میگویند کالای سرمایه‌ای و به کفش میگویند کالای مصرفی.

مشهدی تقی‌خان بقال مشتریان خود را از دست داده. شعبه فروشگاه کورش، در میدان خراسان باز شده و مردم کالاهای خود را از فروشگاه کورش می‌خرند که هم فال باشد و هم تماشا. اگر چشم‌وهم‌چشمی هم شده باید به فروشگاه کورش رفت تا لبو و شلغم و ذغال را در بسته‌بندیهای پلاستیکی خرید تا سود پلاستیک سازها نیز افزایش یابد. از نفت این ماده کمیاب نباید برای بسته‌بندیهای بیمورد و تجملی استفاده کرد. مشهدی تقی‌خان اینک می‌بیند مشتریها زرق و برق ظاهر را گرفته و هزینه‌های خرید از فروشگاههای بزرگ را قبول کرده‌اند، متعجب است پول بنزین اتومبیل شخصی، پول بلیط اتوبوس شرکت واحد، وقتی را که صرف رفت و بازگشت به فروشگاه میکنند هزینه خرید از فروشگاههای بزرگ است. با اینحال مردم دیگر سراغ مشهدی تقی

بقال نمیروند ، لذا او پیکانی خریده و هر روز با یک بلندگو که روی آن نصب کرده به محلات فقیر نشین می‌رود و فریاد می‌زند که قرقره و سوزن و چیزهای مثل اینها می‌فروشد . فروشش هم بد نیست و عصر بالاخره پول یک نان و پنیر یا یک آبگوشت پای مرغ که از مرغ فروش هامی‌خرد را بمنزل می‌برد . روزهای جمعه نیز بروجه‌ها را در پیکان ریخته و به خارج از شهر کنار رودخانه کرج می‌برد تا تفریحی‌کرده‌باشند ماشین پیکان برای مشهدی تقی کالای سرمایه‌ای می‌باشد ولی روزهای جمعه همان ماشین پیکان دیگر کالای سرمایه‌ای بحساب نیامده کالای مصرفی محسوب می‌شود . لذا انواع بکار گرفتن کالا سرمایه‌ای یا مصرفی بودن آنرا معین می‌سازد .

### درآمد

مردم منابع تولید خود را برای تولید کالای مصرفی و کالای سرمایه‌ای بکار می‌گیرند . زمین و کار و سرمایه و مدیریت چهار عامل تولید به کمک هم گنـدم ( کالای مصرفی ) یا تراکتور ( کالای سرمایه‌ای ) بوجود می‌آورند ، در جریان این تولید به آنان که در تولید سهمی داشته‌اند دستمزد و حقوق یا بهای کالائی را که فروخته‌اند پرداخت می‌شود و لذا نتیجه تولید درآمد می‌باشد . قسمتی از این درآمد مردم صرف خرید مایحتاج آنان می‌گردد و قسمتی نیز پس‌انداز می‌شود . این پس‌انداز نیز به نوبه خود صرف خرید می‌گردد ولی این خرید از نوع خرید کالاهای مصرفی نیست . به خریدی که توسط پول پس‌انداز شده انجام می‌گیرد سرمایه‌گذاری می‌گویند . برای مثال درآمد یک پزشک در ماه قسمتی صرف خرید غذا و پوشاک می‌گردد این را مصرف گویند و قسمتی نیز در بانک پس‌انداز می‌شود که آنرا پس‌انداز مینامند . پزشک مورد بحث ممکن است بعداً " پول پس انداز شده " خود را از بانک گرفته یک قطعه زمین خریداری کند تا بعدها آنرا به قیمت گرانتری بفروشد . اگر چه از نظر اسلامی این عمل صحیح نیست ولی از نظر روشن شدن بحث بآن توجه باید کرد .

عمل خرید یک قطعه زمین توسط پزشک را سرمایه‌گذاری مینامند. بطور خلاصه هر نوع خرج کردن درآمد که در راه مصرف کردن یک کالا یا خدمت انجام نگیرد سرمایه گذاری نامیده میشود ممکن است شخصی درآمد خود را نه مصرف کند و نه سرمایه‌گذاری فرضاً " آنرا در صندوقی در منزل مخفی نماید اینرا کنز میگویند .

## تولید

آنانکه به کشاورزی مشغول هستند، آنانکه به استخراج نفت و ذغال سنگ و غیره مشغول هستند، آنانکه به ماهیگیری مشغول هستند و آنانکه به ساختن کالاهای کارخانه‌ای و صنعتی مشغول هستند به تولید کالا مشغول میباشند. ولسی رانندگان و کلیه کارکنان مؤسسات حمل و نقل، انبارداران و کلیه کسانیکه در کارهای حفظ و نگهداری اشیاء مشغول هستند، و بالاخره آنانی که به کار فروشندگی پرداخته‌اند و غیره به تولید خدمت مشغول میباشند. به یکدسته از تولید کنندگان نیز باید توجه داشت. اینان افرادی میباشند که نیازهای موجود افراد را تأکید یا نیازهای جدیدی برای افراد بوجود میآورند. لذا کسانیکه در مؤسسات تبلیغاتی و تحقیقاتی مشغول میباشند نیز به امر تولید پرداخته‌اند. لذا میتوان گفت که تولید بر منابع و شکل استفاده از آنها اثر میگذارد. جمعیت و منابع طبیعی نیروی کار و سرمایه لازم برای تولید را در اختیار میگذارد. سطح تکنولوژی نیز شرط اساسی افزایش سطح محصول است که خود به نیروی انسانی ماهر، ذخیره سرمایه و دامنه و تعداد ابداعات و اختراعات بستگی دارد. برای مثال اگر با بیل و کلنگ و گاواهن کشت کنیم و از آب باران برای آبیاری استفاده کنیم گندم بدست میآوریم ولی اگر در کشت گندم از تراکتور و بیل و کلنگ و کود شیمیائی و بذر خوب و موتورآب استفاده نمائیم همان گندم را بدست میآوریم ولی مقدار محصول گندم بسیار زیاد تر از کشت با گاواهن میباشد. لذا تکنولوژی سطح محصول را معین میسازد. از طرف دیگر اگر کسی

نباشد که طرز کار با تراکتور را بداند مسلماً " تکنولوژی بیکار میماند و در محصول مؤثر نخواهد بود. و یا اگر فرضاً " نفت تمام شود و اختراع و اکتشاف انرژی جدید و دستگاهی که انرژی جدید را در خدمت تراکتور گذارد تحقق نیابد باز هم سطح محصول پائین خواهد آمد. لذا ابداعات و اختراعات نیز در موقعیت تکنولوژی مؤثر است. یکی از مواردی که در مؤثر بودن تکنولوژی در سطح محصول و تولید نقش اساسی بازی میکند مستقل و درون‌زا ( خودزا ) بودن تکنولوژی میباشد. به این بیان که ماشین‌آلات باید در داخل کشور تولید شود. زیرا اگر فرضاً " تراکتور از خارج وارد کشور شود یا در کشور مونتاژ گردد و قطعات آن از خارج وارد گردد. در مواقعی که بیگانگان بخواهند کشور را تحت فشار قرار دهند تا امتیازات سیاسی بگیرند و خلاصه کشور را استثمار نمایند لوازم یدکی تراکتور یا سایر ماشین‌آلات را به کشور نمی‌فرستند و لذا کلیه ماشین‌آلات کشاورزی بیکار می‌افتد و یا اصولاً " تراکتور و ماشین‌آلات در داخل مونتاژ نمیشود و جامعه به قحطی دچار میگردد زیرا تولید کشاورزی بدون تکنولوژی برای جامعه امروز کافی نخواهد بود. بنظر شما اتومبیل پیکان از بنز محکم‌تر است؟ پاسخ شما مسلماً " خیر است. چرا پیکان به محکمی بنز نیست؟ چرا بعد از چند سال کار پیکان از بین میرود و بنز بعد از ۲۰ سال کار هنوز زیرپای رانندگان کرایه و تاکسی مشغول بکار است. یکی از دلایل بی تجربه بودن ایران در تولید ماشین است. باید یادآور شد که پیکان از روی ماشین انگلیسی هانتر کپی می‌شود و لذا باید به محکمی آن باشد. ولی چرا حتی مانند هانتر هم محکم نیست. علت چیست؟

مهمترین علت اینست که صنعت اتومبیل سازی ایران درون‌زا نبوده، بیگانگان فرمولهای آلیاژ و طرز ساختن قسمتهای مختلف آنرا در اختیار میگذارند و بهمین دلیل آنگونه محکم که اتومبیلهای خودزا میسازند برای ما نمی‌سازند تا مبادا روزی رقیب

آنان شویم و اتومبیل ایرانی بجای اتومبیل انگلیسی در مصر و کویت فروش رود. لذا نتیجه میگیریم که برای داشتن اتومبیل خوب، یخچال خوب، چرخگوشت خوب، تلفن خوب، رادیوی خوب، تلویزیون خوب، ساعت خوب و هر کالای صنعتی دیگر باید آنها را خودمان در داخل ایران بسازیم. ابتدا علم صنعتی را فرا بگیریم و سپس به کمک علم، صنعت و تکنولوژی ایرانی فراهم آوریم تا هم در آینده بازبچه دست سیاستهای خارجی نشویم و هم کالاهای صنعتی خوب و محکم تهیه کنیم.

### نیروی کار

بیانگر قسمتی از جمعیت جامعه میباشد که مشغول کار است یا بدنبال کار میگردد تا مزدی دریافت دارد. افرادی که بحساب برای خود کار میکنند نیز جزء نیروی کار محسوب میشوند. تعداد کارگران و قوانین و آداب و رسوم و ایدئولوژی یک جامعه در میزان و مقدار محصول آن جامعه مؤثر است. اگر در یک جامعه ۱۰۰ نفر کارگر وجود داشته باشد و در جامعه دیگر ۱۰ نفر مسلماً باید تولید جامعه ۱۰۰ نفری بیشتر باشد. ولی اگر در جامعه ۱۰۰ نفری ۵۰ نفر به کارهای تولیدی مفید مشغول نباشند فرضاً "به ربا خواری یا تن‌پروری مشغول شوند و ۴۰ نفر هم به حرافی و نقلی و غیره بپردازند و ده نفر بقیه نیز هرچند روز یکبار به بهانه‌های تعطیل رسمی برای خود بسازند مسلماً "تولید این نوع جامعه ۱۰۰ نفری از تولید جامعه ۱۰ نفری که هر ۱۰ نفر هر روز صبح که از خواب برمیخیزند بعد از نماز صبح بر اساس آیه کریمه قرآن فاذا قضیت الصلوه فانتشروا فی الارض وابتغوا من فضل الله ( هنگامیکه نماز به پایان رسید در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا طلب کنید ) به کار تولیدی مفید مشغول میشوند و با پشتکار تمام فعالیت میکنند و بر اساس اصل عدل و قسط اسلامی نه کسی را استثمار میکنند و نه اجازه استثمار شدن میدهند و در شرایط عادی تنها روزهای جمعه کار را تعطیل میکنند کمتر تولید خواهد داشت. لذا ملاحظه میشود

که آداب و رسوم و قوانین در ساعات کاری که نیروی کار جامعه انجام می‌دهد مؤثر می‌باشد. قوانین مربوط به کار زنان در خانه یا کارخانه، کار کودکان در مدرسه، زمانی که کارگران بازنشسته باید بشوند نیز در تولید مؤثر می‌باشد؛ بعلاوه، شرایط روانی نیز در عرضه کار مؤثر است. در مناطق اشغالی مسلمان کارگران عرب فلسطینی یا غیر فلسطینی که می‌بینند اسرائیل غاصب آنان را استثمار میکند چگونه که باید نیروی کار خود را عرضه نکرده‌احیاناً " اگر به کار مبارزاتی هم نپیوندند در محیطی که کار میکنند از زیر کار شانه خالی خواهند کرد. در کشورهای نیز که غیر مستقیم در استثمار بیگانگان می‌باشد کارگران نیروی کار خود را با صداقت و صمیمیت در اختیار کارفرمایان قرار نمی‌دهند. زیرا معتقد هستند که نتیجه و محصول کار آنان سبب قوی تر شدن دشمنان بیگانه و ضعیف تر شدن آنان میشود. لذا در این قبیل کشورها ملاحظه میشود که کارگران در انجام کارهایی که با آنان محول شده است دقت و پشتکار لازم را ندارند و محصول کار آنان پر از عیب و نقص می‌باشد.

علاوه بر اینها سطح دانش و آگاهی، سطح بهداشت و سلامتی جسمی و فکری و سطح مهارت کارگران نیز در تولید یک جامعه مؤثر است. در جامعه‌ای که کارگران آن بی سواد هستند، بیمار هستند، از ناداری و بی مسکنی ناراحتی روانی و عصبی پیدا کرده‌اند، تولید بسیار پائین می‌باشد.

کارگران مریض غیبت فراوان دارند، کارگران ناوارد سبب خراب شدن ماشین‌آلات می‌باشند و کلیه این مسائل سبب می‌گردد که تولید از نظر مقدار کم و از نظر کیفیت ضعیف باشد.

### تقسیم کار:

دو مغازه سنگی الف و ب را در نظر بگیرید که در مغازه سنگی الف تنها یک نفر کارگر کار میکند که هم آرد را خمیر میکند، هم خمیر را بر روی پارو پهن

می‌کند و آنرا در تنور می‌گذارد و هم نان را از تنور درمی‌آورد و به مشتری می‌فروشد و پول را دریافت کرده مغازه را تمیز مینماید. ولی در مغازه سنگی ب، پنج‌نفر کارگر کار میکنند، یکنفر آرد را خمیر میکند، یکنفر بعنوان شاطر خمیر را پهن کرده در تنور می‌گذارد نفر سوم نان را در تنور مراقبت مینماید و بمحض آنکه نان پخت آنرا از تنور خارج می‌سازد و نفر چهارم نان را در ترازو گذارده میکشد و پول را از مشتری دریافت میکند و نفر پنجم ماءمورت تمیز کردن مغازه میباشد. بنظر شما سنگی الف بیشتر نان و بهتر تولید میکند یا سنگی ب؟

از نظر اقتصادی در سنگی الف تقسیم کار وجود ندارد ولی در سنگی ب تولیدنان بین پنج نفر تقسیم شده و لذا تقسیم کار وجود دارد. در سنگی ب تقسیم کار سبب میشود که (۱) از تلف شدن وقت جلوگیری شود زیرا هر یک از کارگران در کار خود تخصص پیدا میکنند و لذا کار خود را سریعتر و درست تر انجام میدهند. (۲) به هر کس کاری متناسب با مشخصات قد، سن، هوش و غیره محول میشود. فرضاً " اگر یکی از کارگران سنگی ب پا ندارد او را پشت ترازو می‌گذارند تا او نیز به نوبه خود کاری کند زیرا که اگر چه پا ندارد ولی با دو دست خود میتواند نان را در ترازو بگذارد و پول آنرا دریافت دارد. (۳) بعلت تکرار زیاد هر کار انجام دهنده آن تخصص کامل پیدا میکند. برای مثال شاطر نانوائی الف در یکروز بعلت انجام کارهای مختلف ممکن است ۲۰ نان تهیه کند ولی در نانوائی ب شاطر در هر روز ۲۰۰ نان تولید میکند و لذا کسی که ۲۰۰ بار خمیر در دست خود وزن کند دقت و قدرت تکه کردن خمیر و وزن کردن خمیر در دستانش بمراتب بیشتر از کسی میباشد که اینکار را تنها ۲۰ بار در روز انجام دهد. (۴) بعلت اینکه در سنگی ب هر یک از کارگران کار بیشتری انجام میدهند از ابزار و وسائل کار نیز استفاده زیادتر میگردد. شاطری که

در یک روز ۲۰۰ بار از پاروئی که نان را بر روی آن پهن میکند و در تنور میگذارد استفاده مینماید مسلماً " از شاطری که روزی ۲۰ بار از آن استفاده میکند از ابزار خود بیشتر استفاده مینماید بهترین وضع اقتصادی آنست که در آن از ابزار کار بیشترین استفاده بعمل آید. شاید مثال سنگی را بتوان به کلیه کارها و مشاغل جامعه تعمیم داد.

در ادارات دولتی اغلب کارها بخوبی انجام نمیشود زیرا که تقسیم کار در آنها بخوبی پیاده نشده است. اغلب رؤسا کارها را خود در اختیار میگیرند تا همه کاره باشند و کسی به فنون کار آنان واقف و آگاه نشود. آنان از این میترسند که مبادا اگر کسی به انجام کارهای اداره وی وارد و واقف شد روزی پست وی را اشغال نماید. بهمین دلیل اغلب کارها به کندی پیش میرود. بعلاوه کارها بر اساس مشخصات کارمندان بآنها محول نشده است. در اعطای پست به کارمندان بجای آنکه درجه تحصیلات و آگاهی علمی و فنی افراد به شغلی که بآنها محول شده مورد نظر باشد صرفاً " پارتی بازی، قوم خویش بازی، دوست بازی، هم محصل بودن، هم پیاله بودن، کرنش نمودن، تملق گفتن، همکلاسی بودن، هم شهری بودن، آرام بودن، بله قربان گفتن، خوار و ذلیل و زبون بودن، وابسته بودن و غیره و غیره مؤثر است. رئیس معاون، کارشناس و کارمندی که براساس غیر از تخصص، آگاهی، استعداد و قدرت انجام کار انتخاب شده باشند مسلماً " از عهده انجام کار بر نخواهند آمد و همین میشود که امروز در اغلب ادارات دولتی و غیر دولتی کارها بخوبی پیش نمیرود.

در دبیرستان لیسانسیه شیمی تعلیمات دینی درس میدهد و لیسانس معقول و منقول دبیرورزش میشود ولیسانسیه ریاضی علوم اجتماعی تدریس میکند و..... در دانشگاه صنعتی پزشکی بیماریهای عمومی مقام ریاست را در اختیار دارد و رئیس دانشکده پزشکی پروفیسور ریاضی دان میباشد. در کلیه قسمتها و بخشهای اقتصادی جامعه



از درآمد ملی کشور که مصرف نمیشود و به تولید کارخانجات، ماشین‌آلات، ابزار و وسائل تولید، ابداعات و اختراعات مربوط به ابزار تولید جدید، تحقیقات علمی مربوط به گسترش تکنولوژی، اختصاص مییابد. انباشت سرمایه محسوب میشود. انباشت سرمایه سبب میگردد که قدرت تولید نیروی کار افزایش یابد و هزینه تولید کاهش یابد برای مثال در خانواده، الف قدرت شخم زدن یکنفر کارگر با بیل زیادتر از قدرت شخم زدن یکنفر کارگر بدون بیل در خانواده ب میباشد، در صورتی که استفاده کردن از بیل در افزایش قدرت تولید یک خانواده مؤثر است که بیل در داخل ایران تولید شود. اگر قرار باشد بیل از خارج وارد شود و یکنروز بعلت وجود جنگ در خارج و یا هر علت دیگر کشور خارجی بیل مورد نیاز را در اختیارنگذارد و یا اگر بیل‌های موجود شکست وسائل تعمیر آنها را در اختیار نگذارد تولید بدون بیل، آنهم در وضعی که مقداری از پول خانواده (۵۰ تومان) در گذشته صرف خرید بیل شده و امروز نیاز به تعمیر آن میباشد و افراد خانواده عادت بکار کردن بابیل کرده‌اند، سرسام‌آور کاهش خواهد یافت. بهمین دلیل است که میگوئیم تهیه و تولید انباشت سرمایه باید درون‌زا باشد و نه وارداتی. (۱)

### رشد اقتصادی:

همین مثال را دنبال میکنیم، اگر خانواده الف در سال اول زمین را بابیل شخم زند و ۱۰۰ کیلو گندم بدست آورد و در سال دوم بعلت کسب تجربه در کشت، استفاده از بذر بهتر، استعمال کود شیمیائی، استفاده از علوم مربوط به کشت و . . . . . فرضاً " ۱۵۰ کیلو گندم بدست آورد میگویند رشد تولید خانواده الف ۵۰ درصد بوده است.

$$150 - 100 = 50$$

بنابراین رشد از تغییر محصول یک جامعه در دو زمان مختلف سخن میگوید در حالیکه

---

(۱) - با توجه باینکه قبلاً هم توضیح داده شده.

بعلت عدم رعایت تقسیم کار بمعنای علمی آن وقتها تلف میگردد، از ابزار کارهای کار بخوبی استفاده نمیشود، تخصص بوجود نمیآید و کارها به کاردانشان محول نمیکردد. انباشت سرمایه:

دو خانواده الف و ب را در نظر بگیرید که هر یک از آنها ۱۰۰ تومان پول در اختیار دارند. خانواده الف ۵۰ تومان از پول خود را صرف خرید یک بیل ۵۰ تومان بقیه را صرف خرید بذر و آب میکند تا بر روی زمین خود کشت نماید. خانواده ب ۵۰ تومان پول خود را صرف رفتن به زیارت به عتبات و ۵۰ تومان بقیه را صرف خرید بذر و آب مینماید. خانواده ب بعلت نداشتن بیل باید زمین را بادست شخم بزند ولی خانواده الف از بیل کمک میگیرد و زمین را با بیل شخم میزند. در اقتصاد میگویند خانواده ب پولش را مصرف رفتن به زیارت کرده است ولی خانواده الف از مصرف ( رفتن به زیارت ) چشم پوشیده پول خود را صرف تهیه ابزار تولید کرده است. کشت گندم خانواده الف بوسیله بیل آسانتر از کشت گندم خانواده ب میباشد. لذا ابزار تولید سبب آسانتر شدن جریان تولید میگردد. به خانواده الف که از نظر استفاده از ابزار تولید ( یعنی بیل ) پیشرفته تر از خانواده ب ( شخم با دست ) میباشد در اصطلاح اقتصاد توسعه یافته و به خانواده ب توسعه نیافته میگویند. خانواده الف دارای یک بیل است و باندازه قیمت یک بیل (۵۰ تومان) انباشت سرمایه دارد در حالیکه خانواده ب باندازه قیمت یک بیل (یعنی ۵۰ تومان) مصرف بیشتر داشته است. لذا مصرف و انباشت سرمایه در مقابل یکدیگر قرار میگیرد. اگر درآمد یک جامعه صرف تهیه ابزار تولید شود میگویند درآمد جامعه به انباشت سرمایه اختصاص یافته است. همین جامعه ممکن است بجای انباشت سرمایه درآمد خود را صرف تولید کالاهای مصرفی یا خرید کالاهای مصرفی نماید که در این صورت انباشت سرمایه آن صفر میباشد. اگر مثال دو خانواده را به جامعه تعمیم دهیم میگوئیم سهمی

توسعه از استفاده از آخرین تکنیک تولید. بنابراین آنچه آمدمیتوان گفت در صورتی یک کشور به توسعه و رشد اقتصادی دست پیدا میکند که مدرنترین ابزار تولید را در داخل کشور تولید نماید و محصول سالیانه آن در سایه ابزار تولید پیشرفته نسبت به سال قبل افزایش حاصل نماید. در ایران تا زمانیکه کارخانجات از خارج وارد میکردند چنانچه قسمتی از آن خراب شود باید منتظر بود تا بیگانه اگر مصلحت خود دید قسمت خراب شده آنرا تعمیر کند توسعه اقتصادی بی مفهوم است و تا زمانیکه محصول ملی (که جمع کالاها و خدمات تولید شده در یکسال توسط افراد جامعه به کمک ابزار تولید داخلی و غیر وارداتی و مستقل میباشد) نسبت به سال قبل افزایش نیابد رشد اقتصادی بی معناست.

### مبادله:

در جامعه بر اساس تقسیم کار یکی لباس و پوشاک تهیه میکند، یکی نان میپزد دیگری قصاب است، چهارمی لبو میپزد، پنجمی بناست، ششمی معلم است و..... لذا هر یک از افراد جامعه یک چیز تولید میکنند. آنکه لباس درست میکند با رضایت خاطر لباس را با نان، گوشت، لبو و..... عوض میکند، انتقال یک کالا یا خدمت را به کالا یا خدمت دیگر یا به پول، مبادله مینامند. در گذشته که بشر بصورت گروهی و قبیله‌ای زندگی میکرد آنکه نان درست میکرد، سعی میکرد نان بیشتر از نیاز خود تولید کند تا اضافه آنرا به کسی دهد که فرضاً "لبو پخته است و در مقابل انتقال نان به لبوپز از وی لبو دریافت کند، باشد که هر دو نان و لبو برای ناهار یا شام خود داشته باشند. مبادله نان با لبورا مبادله پایاپای مینامند زیرا که در عمل مبادله پول رد و بدل نمیشود ولی در جوامع پیشرفته امروز مبادله بیشتر از طریق پول انجام میگردد. آنکه نان پخته است نان را با پول مبادله میکند و سپس پول مذکور را به لبو فروش میدهد تا از وی لبو بخرد. لبو فروش نیز پول مذکور را به نانوا

میدهد تا از وی نان بخرد. این مبادله را پول آشنا مینامند. کمی تا عمل کنید در این مبادله چه اتفاق میافتد؟. یک نفر کار میکند نان تولید میکند و دیگری کار میکند و لبو میپزد، حال که این دو میخواهند نان و لبو را از طریق پول یا بطور مستقیم مبادله کنند باید دو چیز برابر را مبادله کنند. آنکه لبو پخته چقدر کار کرده و چه مقدار زحمت کشیده، وقت صرف کرده، پول داده، چقدر خریده و خلاصه چه مقدار هزینه برای تولید لبو پرداخت کرده است، بهمان مقدار باید آنکه نان پخته، کار کرده باشد، وقت صرف کرده باشد، پول خرید آرد و غیره پرداخت کرده باشد و خلاصه هزینه تولید نان متحمل شده باشد تا نان وی با لبو فروش که مبادله شد حقی از لبو فروش توسط نانوا غصب نشود. اگر غیر از این باشد میگویند نانوا لبو فروش را استثمار کرده است یعنی لبو فروش کار بیشتر، وقت بیشتر، پول بیشتر و بالاخره هزینه تولید بیشتری متحمل شده است تا نانوا.

در قرآن مجید و احادیث اهل بیت علیهم السلام بکرات از این امر منع شده و آمده است که نباید از مردم چیزی بیش از آنچه با آن می دهید دریافت کنید در زیر بعضی از این آیات و روایات را مطالعه میکنیم:

ربا:

اگر حسن ۱۰۰ کیلو گندم تولید کرد و ۲۰ کیلو از آنرا به برادر مسلمانش که نیاز دارد داد و از برادرش خواست که بعداً " هنگامی که بیش از نیاز خود و خانواده اش گندم داشت بجای ۲۰ کیلو گندمی که گرفته است ۳۰ کیلو از همان گندم تحویل دهد میگویند (۱۰ = ۲۰ - ۳۰) ده کیلو گندم اضافی که حسن دریافت داشته است ربامیباشد. کلمه ربا بمعنای اضافی بوده مفهومی را که بیان شد میرساند. حال اگر حسن صد کیلو گندم خود را کیلوئی ۱ تومان بفروشد و از صد تومانی که بدست آورده ۲۰ تومان آن را به برادرش بدهد و با او قرار ببندد که بعداً " هنگامی که داشت بجای ۲۰ تومان که

است ۳۰ تومن تحویل دهد، بازهم (۱۰=۲۰-۳۰) ده تومن ربا گرفته است و اگر قیمت‌ها ثابت فرض شود گوئی حسن ده کیلو گندم ربا گرفته است زیرا ده تومن پول یعنی ده کیلو گندم باین دلیل که گندم کیلوئی ۱ تومن فرض شده است. ممکن است ادعا کنند که ربا به چیزهایی که قابلیت وزن شدن یا پیمانه شدن دارند تعلق میگیرد. مثلاً "گندم را میشود وزن کرد و یا با پیمانه اندازه گرفت ولی چون اسکناس (پول) را نه پیمانه میکنند و نه وزن، لذا بر آن ربا تعلق نمیگیرد در پاسخ باید گفت که نقش پول تنها در ایجاد وسیله مبادله و حفظ ارزش است لذا مردم اسکناس را از آن جهت که پشتوانه ان کالاهای تولید شده میباشد میخواهند. اگر با اسکناس نتوان کالائی خرید دیگر اسکناس برای چه لازم است؟ و لذا اگر ۱۰۰ تومن اسکناس امروز بدهید که فرضاً " برای یکسال دیگر ۱۵۰ تومن دریافت نمائید اگر قیمت‌ها ثابت فرض شود ۵۰ تومن ربا میباشد که خداوند در قرآن اکیدا " آنرا تحریم کرده است. لذا وامی را که بانکها میپردازند و اغلب عملیات بانکها ربوی بوده باید حکم ربا بر آنها جاری شود.

## توزیع:

در دانش اقتصاد این کلمه معنای خاصی دارد و کمتر و بندرت اتفاق میافتد که از آن مفهوم حمل و نقل و بازاریابی کالا مورد توجه باشد. گاهی اوقات از لسه توزیع، راهی مورد نظر است که بر اساس آن ثروت جامعه (دارائیهای پولی و غیر پولی مردم) بین خانوادههای یک جامعه تقسیم میشود. ولی مقصود از کلمه توزیع در دانش اقتصاد پرداخت سهم هریک از عوامل تولید از محصول ملی میباشد. تصور کنید که در یک جامعه چهار خانواده وجود دارد. یک خانواده صاحب زمین است، یک خانواده صاحب بذر و آب و بیل است، و خانواده سوم کارگر است و دارای نیروی کار میباشد و بالاخره خانواده چهارم مدیری است که زمین را از زمین دار و بذر و آب و بیل را از صاحب آن و نیروی کار را از خانواده سوم در اختیار میگیرد و با تخصص و مدیریت خاصی که دارد در طول یکسال از تلفیق عوامل تولید یعنی زمین، سرمایه و کار ۱۰۰ کیلو گندم تولید میکند. حال فرض کنید که از این صد کیلو گندم ۳۰ کیلو گندم به زمین دار میدهند. ۴۰ کیلو گندم به خانواده صاحب بذر و آب و بیل میدهند، ۲۰ کیلو گندم به خانواده چهارم و ۱۰ کیلو گندم به خانواده سوم یعنی دارنده نیروی کار (کارگران) پرداخت میشود. در این مثال: صد کیلو گندم که در جامعه تولید شده است محصول ملی بحساب میآید که بین چهار عامل تولید به شرح زیر تقسیم شده است:

- ۱- خانواده اول صاحب زمین (یعنی مالکان) ۳۰ کیلو گندم بابت اجاره.
- ۲- خانواده دوم صاحب بذر و آب و بیل (یعنی سرمایه داران) ۴۰ کیلو گندم بابت سود.
- ۳- خانواده سوم صاحب نیروی کار (یعنی کارگران) ۱۰ کیلو گندم بابت دستمزد.

۴- خانواده چهارم صاحب مدیریت ( یعنی مدیران ) ۲۰ کیلو گندم بابت

حقوق .

حال میگوئیم توزیع یعنی تقسیم ۱۰۰ کیلو گندم ( محصول ملی ) بین چهار خانواده ( چهارعامل تولید ) بابت اجاره ، سود ، دستمزد و حقوق آنان . بنابراین مقصود از توزیع در دانش اقتصاد تقسیم محصول ملی یک جامعه بین عوامل تولید بعنوان پاداش سهم هریک از آنها در محصول ملی ( درآمد ) میباشد با توجه به این امر میتوان گفت که ( صرفنظر از چند استشار ) همواره محصول کل جامعه برابر درآمد کلی جامعه میباشد . اگر سهم هریک از عوامل چهارگانه تولید از محصول کل در بست براساس سهم هریک از آنان در تولید محصول کل پرداخت شود عدالت اقتصادی تحقق می یابد . بنابراین برای پیاده کردن سیستم توزیع اقتصاد اسلامی که در آن قسط و عدل اقتضا میکند تا حق هریک از عوامل تولید بدون کم و کاست پرداخت شود باید از علم کمک گرفت باین بیان که باید به کمک علم اقتصاد صنعتی و حسابداری صنعتی و حسابداری تولید ملی دقیقاً " مطالعه نمود که در محصول کل جامعه سهم هریک از عوامل تولید چه مقدار میباشد . فرضاً " در مثالی که ذکر شد آیا باید از ۱۰۰ کیلو گندم تولید شده ۳۰ کیلو بابت اجاره پرداخت شود یا کمتر و چرا ؟ آیا باید به کارگران ۱۰ کیلو گندم بابت دستمزد داد یا بیشتر چرا (۱) ؟

نگاهی باطراف خودکنیم ، از بازار فرش فروشها ، فرش فروشی را عصر هنگام بازگشت بخانه خود تعقیب کنیم . از بازار که خارج میشود یک بنز ۳۰۰ هزار تومانی باراننده یا اخیانا " بدون راننده منتظر وی میباشد . سوار بر بنز خود سیصد چهارصد تومان

(۱) با توجه بدستوراتی از قبیل الزرع للزارع وان كان غاصبا وان لیس للانسان الا ماسعی .

و غیره میتوان نتیجه گرفت که آنانکه در تولید مستقیماً کار انجام میدهند باید از محصول سهمی ببرند ، لذا زمین داران و سرمایه داران صرفاً " بعنوان دارندگان عوامل تولید سهمی از تولید نخواهند داشت ، منتها در این مورد معتقدند که باید اجرت المثل ابزار تولید به صاحبان آن پرداخت شود .

انواع و اقسام میوه‌های مختلف تهیه میکند و بعد بسراغ ماهی سفید کیلویی صد تومان میرود و پس از خرید ماهی به منزل میرود. روزانه ۱۰۰۰ تا دوهزار تومان خرج منزل ایشان است. اما از قصری که ساخته، چندین ده میلیون تومان ارزش آن میباشد. فرش‌فروشها، فقیرترین ثروتمندترین افراد در مقایسه با فرش بافها میباشد.

اما سراغ کارگران فرش‌باف میرویم. دریک کارگاه کلی مرطوب پنجمهای ظریف‌کارگر فرش‌باف از بامداد تا شامگاه مشغول کار است شرایط بد محیط کار، سختی کار و آلوده بودن خود کار از نظر استفاده از پشمهای گوناگون سبب میشود که اغلب کارگران فرش چشم خود را از دست بدهند. در جوانی پیر شوند، سل بگیرند و جوانمرگ شوند. کار سخت و طاقت‌فرسای این کارگران در نقش‌ونگار فرش زیبا جلوه میکند. او فرش را میبافد ولی خود از آن بهره‌ای نمیگیرد، حتی آنقدر هم ندارد که اگر روزی سل گرفت به معالجه آن بپردازد. زندگی قالببافان در روستاهای ایران هرچه هم که پیشرفت کند و باز بپای قصر فرش فروشان نمیرسد. چه میشود؟ چرا کارگران قالی باف درآمدی چنین اندک بدست می‌آورند و فرش فروشان درآمدی چنین کلان، آیا کار فرش فروشان سخت‌تر، شدیدتر، طاقت‌فرساتر از کار فرش‌بافان است؟ مطالعه‌ای از نزدیک در این دو کار انجام دهید، خواهید دید که چنین نیست صرفاً " غلط بودن سیستم توزیع در این حرفه سبب شده است تا کارگران فرش‌باف که سهم بیشتری و نقش فعالتری در تولید فرش داشته‌اند از فرش فروشان که در تولید آن هیچگونه نقشی نداشته‌اند و تنها واسطه بین خریدار و فروشنده بوده‌اند کمتر پاداش (درآمد) دریافت دارند.

این را میگویند استثمار کارگر فرش‌باف بوسیله فرش فروش. عدالت و قسط اسلامی حکم میکند که سهم هر یک از این دودسته یعنی، تولیدکنندگان اصلی و فروشندگان



و فروشندگان واسطه دقیقاً " محاسبه شود و بر اساس آن از قیمت بازار و قیمت فروش عادلانه آن پرداخت گردد. این مثال را به جامعه گسترش دهید. از یک حرفه به حرف مختلف. آیا کارفرمایان و سرمایه‌داران صاحبان قصرها، کاخها، ساختمانهای اشرافی، باغهای اختصاصی، آپارتمانهای فوق لوکس و گران در تولید محصول کل جامعه سهمی و نقشی بیشتر و فعال‌تر از کارگران بی‌خانه کوخ نشین، زاغه نشین و اجاره نشین دارند که باید آنان در زمستان در منزل از ایره‌تر و شواژ و در ماشین از بخاری گرم استفاده کنند و فقط سرما را در پیست اسکی آبعلی هنگام اسکی‌سازی احساس کنند ولی اینان بعلت سرمای شدید و نداشتن وسیله گرم کننده یکایک اعضای خانواده یکی بعد از دیگری زکام و آنفلوآنزا و سینه پهلو بگیرند و اگر در زمستان نمیرند در بهار خدای را شکر گزارند. مطالعه علمی و عینی در نوع شغل و مسئولیتی که این دو دسته انجام میدهند بخوبی گویای این امر است که بعلت غلط بودن سیستم توزیع جامعه دستهای که نقش فعالتری در تولید دارند توسط دستهای که قدرت و زور بیشتر و نه سهم و نقش فعالتر در تولید دارند استثمار شده‌اند. توزیع در دانش اقتصاد از این مسئله سخن میگوید که چگونه باید سهم هریک از افراد از محصول ملی محاسبه شود و چگونه این حق و سهم باید پرداخت گردد تا استثمار دستهای از دسته دیگر از بین رفته قسط بوسیله مردم استقرار یابد. (۱)

---

(۱) - لقدارسلنا رسلنا با لبینات وانز لنا معهم الكتاب والمیزان لیقوم الناس بالقسط .

حسن وحسین به مغازه خواربارفروشی ولبنیاتی مراجعه میکنند وهریک از آنان مقداری شیر، شکر و برنج وگلاب خریداری مینمایند. حسن که دانش‌آموز است به منزل میرود وحسین که مغازه‌دار است به مغازه. حسن شیروشکر و برنج وگلاب را به مادرش میدهد تا برای ناهار که از محل کار برمیکردد شیر برنج بپزد. حسین نیز با شیروشکر و برنج وگلاب شیر برنج میپزد تا در مغازه بفروشد. ظهر حسن از مدرسه با دوستش محمود راهی منزل هستند، محمود به محض رسیدن به مغازه حسین بفکر ناهار میافتد و چون برای صرف ناهار در منزل چیزی تهیه نشده است از حسین شیر برنج میخورد و به منزل میبرد. در این مثال حسن را مصرف کننده شیر و برنج و شکر و گلاب مینامند چون آنها را برای مصرف شخصی خود خرید. حسین را مصرف کننده شیر و شکر و برنج و گلاب نمی‌نامند چون آنها را برای تولید شیر برنج بمنظور فروش خریده وحسن و محمود را مصرف کننده شیر برنج مینامند چون هر دو از شیر برنج برای رفع نیاز گرسنگی خود استفاده کرده‌اند، لذا، مصرف عبارت است از استفاده از کالا ها و خدمات بمنظور ارضاء نیاز انسان باید توجه داشت که مصرف، استفاده از کالا ها و خدمات بوسیله " آخرین " مصرف کننده است، و لذا همانطور که در مثال شیر برنج گفته شد استفاده از کالا و خدمات را در تولید، مصرف نمیگویند. در مثال شیر برنج، محمود بعد از خرید شیر برنج، یک مداد تراش نیز خریداری کرد و بمنزل برد. اگر محمود شیر برنج را امروز یا حداکثر فردا مصرف نکند فاسد میشود ولی اگر از مداد تراش که خریده تا چند سال دیگر هم استفاده نکند فاسد نخواهد شد. لذا کالاها و خدماتی را که مورد مصرف انسان قرار میگیرد به کالاهای فاسد شدنی و فاسد نشدنی یا کالاهای زمان پذیر و کالاهای زمان ناپذیر تقسیم کرده‌اند شما در جدول زیر کالاهای زمان پذیر و زمان ناپذیر را در ستونهای مربوطه قرار دهید.

جدول کالاهای مصرفی زمان پذیرو زمان ناپذیر

کالاهای زمان ناپذیر	کالاهای زمان پذیر	کالاهای زمان پذیرو زمان ناپذیر
		لبو
		کره
		مرکب
		پنیر
		سیمان
		اتوبوس
		گوشت
		بلیط تئاتر
		تخم مرغ
		کارخانه
		کتاب
		عینک
		اطو
		پرتقال
		سیب

علی و رضا هر دو از یک مغازه در بازار ماشین سلمانی میخرند. علی محصل است و از ماشین مذکور در منزل استفاده میکند تا موی سر خود و برادرش را اصلاح و آرایش نماید. رضا مغازه سلمانی دارد و از ماشین سلمانی که خریده است در اصلاح و آرایش کردن موی سر مشتریان خود استفاده میکند. ( ماشین سلمانی که زمان ناپذیر است با توجه به مثال شیربرنج و مداد تراش) در این مثال علی کالای بادوام (ماشین سلمانی) را در مصرف و رضا همان کالای بادوام را در تولید (تولید خدمت) که همان آرایش سر مشتریان است) بکار گرفته است. بنابراین بعضی از کالاها و خدمات هم برای مصرف و

هم برای تولید مورد استفاده قرار میگیرند. مصرف در اسلام مشروط است. استفاده از کالاها و خدمات در ارضاء نیازها باید دارای شرایط مختلف باشد از جمله:

۱- نیازها سالم و مشروع باشد.

۲- کالاها و خدماتی که مورد استفاده قرار میگیرند شرعی باشند.

۳- در مصرف نباید زیاده‌روی و اسراف کرد.

در اطراف خود نگاه میکنیم تا ببینیم که مصرف چگونه تحقق یافته است.

### درآمد پولی و درآمد واقعی:

علی و جعفر دو برادر هستند که اولی در تهران و جعفر در ورامین زندگی میکند. این دو برادر هر یک روزانه ۲۰۰ تومان درآمد دارند. علی روزی ۱۰۰ تومان اجاره خانه میدهد و روزی یک کیلو گوشت (۳۰ تومان) سه کیلو میوه (۲۰ تومان) و ۵۰ تومان برای سایر مخارج خود نگهداری میکند در حالیکه جعفر روزانه ۲۰۰ تومان اجاره خانه میدهد که خانه‌اش دست کمی از خانه علی ندارد. یک کیلو گوشت ۲۰ تومان و ۳ کیلو میوه ۱۰ تومان تهیه میکند و روزانه ۱۵۰ تومان جهت سایر مخارجش نگهداری میکند. در این مثال درآمد پولی علی و جعفر هر دو ۲۰۰ تومان میباشد. در حالیکه درآمد واقعی جعفر گوئی ۳۰۰ تومان است. زیرا علاوه بر مخارجی که مشابه علی داشته‌است صرفاً "بعثت ارزانتر بودن کالاها و مسکن در ورامین دارای ۱۰۰ تومان پس‌انداز بیشتری برای سایر مخارجش میباشد و لذا اگر پیراهن در ورامین ۳۰ تومان و در تهران ۵۰ تومان باشد علی با باقیمانده پولش تنها یک پیراهن می‌خرد در حالیکه جعفر ۵ پیراهن. بنابراین میتوان درآمد پولی را چنین تعریف کرد که بیان درآمد یکفرد به تومان جاری را درآمد پولی مینامند. ولی درآمد واقعی مقدار کالا و خدمتی میباشد که درآمد پولی خریداری مینماید. در مثال علی و جعفر چون جعفر ۴ پیراهن بیشتر از علی خریده است گوئیم درآمد واقعی وی بیشتر از درآمد واقعی علی

میباشد. با توجه به آنچه گفته شد معلوم میگردد که درآمد واقعی تحت تاء ثییر تغییرات سطح قیمتها قرار میگیرد.

اگر خود شما یادتان نمیآید، از بزرگترها، پدر بزرگها، مادر بزرگها بپرسید که در ۳۰ سال پیش درآمد پولی و درآمد واقعی آنان چه مقدار بوده است؟ حتما خواهید شنید که روزی مثلا "۱۶ ریال درآمد داشتند، با آن یک حلب روغن کرمانشاهی اعلاء حاوی ۲۰ کیلو روغن تهیه میکردند. ولی امروز با ۱۶۰ تومان درآمد روزانه تنها ۲ کیلو روغن حیوانی آنهم نه بآن اعلائی میتوان خرید. اگر چه درآمد پولی امروز صد برابر درآمد پولی ۳۰ سال قبل است ولی درآمد واقعی چیزی در حدود یک بیستم درآمد واقعی آنروز است. چرا با درآمد پولی صد برابر ۳۰ سال قبل نمیتوان صد برابر وحتى بهمان اندازه سی سال قبل کالا تهیه کرد.؟

در پاسخ این سؤال پدر بزرگ خواهد گفت درست است که درآمدها افزایش یافته است ولی قیمتها سریع تر از درآمد ها افزایش یافته اند در مثال ما راجع به روغن کرمانشاهی درآمد امروزه ۱۶۰ تومان است یعنی صد برابر ۱۶ ریال درآمد ۳۰ سال قبل. ولی قیمت روغن کرمانشاهی اعلا امروز هر کیلو ۸۰ تومان است یعنی ۱۰۰۰ برابر ۰/۸ ریال قیمت یک کیلو روغن کرمانشاهی ۳۰ سال پیش.

امروز دیگر کارمندان و کارگران مثل چند سال قبل آنقدر ساده نیستند که با شنیدن خبر افزایش حقوق و دستمزد شادی کنند. زیرا میدانند که افزایش دستمزدها با افزایش قیمتها خنثی میشود. اگر ده درصد درآمدها را بالا ببرند دهو شاید هم ۱۲ درصد قیمتها بالا میرود و کارگری که تا دیروز با دستمزدش یک کیلو گوشت و چند کالای دیگر میخرید امروز که دستمزدش زیادتر شده است نه تنها نمیتواند بهمان اندازه دیروز کالا بخرد بلکه کمتر هم باید بخرد زیرا قدرت خرید با افزایش قیمتها کمتر شده است و چون نرخ افزایش دستمزد وی کمتر از نرخ افزایش قیمتهاست وضع وی

امروز بدتر از دیروز است .

در کشورهای سرمایه‌داری مانند انگلستان و آمریکا و غیره کارگران به کمک سندیکا های قدرتمند خود دست به اعتصاب میزنند تا کارفرمایان و سرمایه‌داران را مجبورکنند تا دستمزد آنانرا افزایش دهند . کارفرمایان و سرمایه‌داران بعد از یکماه کشمکش سیاسی با کارگران قبول میکنند که دستمزد آنانرا ده درصد بالا ببرند فرضاً " صد تومان دستمزد روزانه کارگران را به صدوده تومان افزایش میدهند ولی از آنجا که ماهیت سیستم سرمایه‌داری و سرمایه‌داران بگونه‌ای میباشد که نباید به سود آنها لطمه وارد آید . بمحض آنکه دستمزد کارگران را افزایش دادند بلافاصله کالاهائی که توسط این کارگران تولید میشود به بهانهٔ افزایش هزینهٔ تولید بالا برده میشود . کارگران که هنوز از شادی و پیروزی در اعتصاب لبخند بر لب دارند یکباره با این واقعیت روبرو میشوند که اگر چه دستمزدشان افزایش یافته است ولی با صدوده تومان امروز حتی نمیتوانند باندازه صدتومان دیروز کالا از بازار تهیه نمایند . خنده بر لبان کارگران خشک میشود و بر محرومیت آنان محرومین نیز گریه سر میدهند . در اینجا است که کشیش برای تسلی خاطر کارگران محروم و شادی خاطر سرمایه‌دار معرفی پا جلو میگذارد و علت وضع بدتر امروز کارگران را بدینگونه برایشان توضیح میدهد که چون بکمک اعتصاب و اعمال زور و خشونت سیاسی کارفرما را مجبور به افزایش دستمزد ساختید لذا خداوند برکت از درآمد شما برداشت زیرا که او پول بزور گرفتن از دیگران را دوست نمیدارد . این چنین نقش ظالمانه و گمراه کنندهٔ کشیشان در کشورهای سرمایه‌داری سبب شده است تا آنانرا صاحبان افیون جامعه بنامند . ولی در اسلام بکمک علم و عدل همواره حق کارگران بکمال و تمام محاسبه شده بآنان داده خواهد شد و لذا چون کسی نیست که حق کارگر را غصب کند جائی برای اعتصاب کارگران و افزایش قیمتها باقی نمیماند . قرآن مجید میفرماید *وفی اموالهم حق معلوم*

للسائل والمحروم ..... در دارائی ثروتمندان حق آشکار محرومان نهفته است .  
لذا اسلام در برخورد با سیستمهای سرمایه‌داری ، حقوق کارگران محروم را از سرمایه‌داران  
میستاند و بآنان باز میگرداند و در سیستم قسط آمیز و عدالت گستر قرآنی اجازه  
استثمار از کارگر و بوجود آمدن طبقه سرمایه‌دار در مقابل کارگر داده نخواهد شد .  
تئوری اقتصادی :

در حال حاضر چقدر روزانه درآمد دارید؟ فراموش کنید اگر درآمد شما روزانه  
به هزار تومان برسد با این فرض که مجرد بوده ازدواج نکرده باشید ، پدرتان در قید  
حیات باشد و نخواهید مخارج مادر و خواهر و برادر را بپردازید ، جوان سربراه و  
با ایمان باشید و پولتان را صرف خرید کالاهای مضر مانند شراب و غیره نکنید ، با  
پولی که بدست می‌آورید چه خواهید کرد سعی میکنید با زهم میهمان پدر و مادر و  
اقوام باشید و ماهیانه سی هزار تومان در بانک پس‌انداز کنید و یا میهمان خویشان  
باقی میمانید ولی پولتان را به مستمندان و نیازمندان صدقه میدهید و یا در راه  
اعتقادات بنیانی اسلامی خود خرج میکنید و بالاخره آیا درآمد روزانه خود را در  
اختیار خانواده قرار میدهید تا بکمک درآمد پدر وضع مرفهی برای خویشان خود  
فراهم آورید .

چه خواهید کرد ، کدامیک از این راهها را انتخاب خواهید کرد؟ فرضاً " میگوئید  
در راه اعتقاد بنیانی اسلامی خود مصرف میکنید . این گفتن شما یکنوع پیش‌بینی در  
آینده است ، آینده‌ای که درآمد شما به هزار تومان در روز برسد ، برای انجام این  
پیش‌بینی از تجارب و طرز رفتار خود در گذشته استفاده کردید . در گذشته نیز که  
گاهی اوقات درآمد زیاد بدست می‌آوردید مصرف راههای اعتقادی خود میکردید . لذا  
بر اساس آنچه در گذشته انجام داده‌اید و شرایط خانوادگی که نیازی به پول شما  
ندارند ، سایر شرایطی که خود میدانید این پیش‌بینی را انجام داده‌اید پیش‌بینی

راجع به رفتار آینده خود در صورتی که درآمدها به هزار تومان در روز برسد. بیان رفتار شما در صورتی که درآمدها افزایش یابد یک نوع تئوری اقتصادی میباشد که در این مثال تئوری مصرف بان میگویند چون از شکل مصرف شما در صورت افزایش درآمد سخن میگوید این بیان رفتار شما دارای دو طرف است یکطرف این است که اگر درآمد شما به هزار تومان تغییر پیدا کند، و طرف دیگر اینست که مصرف شما در مسیر مخارج اعتقادی خواهد بود.

طرف اول را متغیر و طرف دوم را تابع مینامند زیرا در تئوری طرف متغیر اول تغییر میکند. در اینجا ابتدا درآمد شما به ۱۰۰۰ تومان میرسد و پس آنگاه مصرف شما شکل میگیرد یعنی شما تابع تغییر درآمد میباشید. لذا در تئوری اقتصادی یکطرف تابع است و یکطرف متغیر. متغیرها ممکن است متعدد باشند. در مثال مورد بحث ما یک متغیر وجود دارد و آنهم افزایش درآمد شما به هزار تومان میباشد. بنابراین تئوری رابطه تابعی بین عناصر اقتصادی میباشد.

در مثال مورد صحبت ما تئوری اقتصادی بشکل زیر نوشته میشود:

(درآمد آینده شما) تابع = مصرف آینده شما

اگر دقت کرده باشید برای بدست آوردن تئوری مصرف آینده شما چند فرض از قبیل مجرد بودن و غیره را اختیار کردیم. لذا میگوئیم برای ساختن یک تئوری اقتصادی فرضهائی را اختیار میکنیم تا ساختن تئوری را سادهتر گرداند. مهمترین نتیجه یک تئوری اقتصادی آنست که ما را قادر سازد که نسبت رفتار آینده انسان پیشگوئی نمائیم. اگر پیشگوئی ما در آینده با واقعیت تطبیق کرد میگوئیم تئوری ما صحیح بوده است والا تئوری غلط بحساب خواهد آمد. برای مثال اگر شما در آینده درآمد ۱۰۰۰ تومان روزانه خود را صرف مخارج اعتقادی بنیانی خود نکنید میگوئیم تئوری مصرف آینده شما غلط بوده است. حال اگر بتوانیم یک تئوری مصرف نه تنها



برای شما بلکه برای کلیه افراد، نه تنها در یک کشور و یک سیستم بلکه در کلیه کشورها با سیستم‌های مختلف مثلا " برای مردم روسیه و آمریکا و ایران و غیره بسازیم که بما قدرت پیش‌بینی دهد که اگر درآمد مردم تغییر کرد چه خواهند کرد و نیز مصرفشان چگونه خواهد بود. و بعد این تئوری در مورد کلیه مردم جهان درست از آب درآمد یعنی کلیه مردم جهان در کلیه سیستمها بمحض دریافت درآمد بیشتر با توجه به فرضهای تئوری آنگونه رفتار کردند که تئوری پیش‌بینی کرده است می‌گوئیم تئوری اقتصاد تبدیل به قانون اقتصاد شده است. در دانش اقتصاد قوانین اقتصادی انگشت شمار میباشد و بیشتر تئوریهای اقتصادی مورد بحث قرار میگیرد. زیرا تئوری اقتصادی از رفتار اقتصادی انسان سخن میگوید و رفتار اقتصادی انسان نیز تحت تأثیر عواملی از قبیل تربیت خانوادگی، شرایط محیطی، فرهنگ و ایدئولوژی و غیره قرار دارد. و چون این عوامل در جوامع مختلف متفاوت است لذا تئوریهای اقتصادی نیز در جوامع مختلف متفاوت میباشد.

با توجه بآنچه گفته شد تئوریهای اقتصاد اسلامی خواه ناخواه تحت تأثیر ایدئولوژی اسلامی مشخص میشود. بدیگر سخن در تئوری اقتصاد اسلامی رفتار اقتصادی یک فرد مؤمن مسلمان واقعی به بحث گرفته میشود. فرضا " برای بیان تئوری مصرف در اسلام باید ابتدا دیدگاه ایدئولوژی اسلامی درباره مصرف دقیقا " مشخص گردد و پس آنگاه با اختیار کردن این فرض که یک فرد در جامعه و تحت حکومت اسلامی مؤمن باسلام باشد یا منافق رفتار اقتصادی وی در مورد مصرف و درآمد و سایر عناصر اقتصادی به بحث گرفته میشود.

## فهرست

۳	چرا اقتصاد بیا موزیم
۴	موضوع علم اقتصاد
۶	کمیابی
۶	انتخاب
۷	سئوالات اساسی علم اقتصاد
۱۵	کالا
۱۶	درآمد
۱۷	تولید
۱۹	نیروی کار
۲۰	تقسیم کار
۲۳	رشد اقتصادی
۲۴	انباشت سرمایه
۲۵	مبادله
۲۶	ربا
۲۸	توزیع
۳۲	مصرف
۳۴	درآمد پولی و درآمد واقعی
۳۷	تئوری اقتصادی



۲۵ ریال

ناشر : خانه کتاب - یزد

شماره ثبت ۲۰۹  
۵۷/۳/۶